

هدف اسنپ‌بک اقتصاد ملی ماست

بازگشت تحریم‌ها می‌تواند ارزش پول ملی را کاهش دهد، تورم ایجاد کند و بازارهای سرمایه، صنعت و مسکن را تحت فشار قرار دهد



▲ دکتر پزشکیان در سازمان ملل خطرات بازگشت تحریم‌ها را گوشزد کرد

واقعیت این است که خطر فعال‌سازی مکانیسم ماشه همچنان بالای سر ایران قرار دارد. روز چهارشنبه ۲۸ شهریورماه، پیش‌نویس یک قطعنامه برای لغو دائمی تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران در شورای امنیت به رأی گذاشته شد. این قطعنامه با ۹ رأی مخالف، ۴ رأی موافق و ۲ رأی ممتنع رد شد. بر این اساس، اگر آخرین تلاش‌های دیپلماتیک ایران برای متقاعد کردن کشورهای غربی به نتیجه نرسد، همه‌ی قطعنامه‌های پیشین سازمان ملل علیه ایران دوباره به جریان خواهند افتاد.

به نظر می‌رسد اروپا با توجه به کم‌رنگ شدن نقش خود در تحولات بین‌المللی، ناشی از هژمونی آمریکا و شکل‌گیری بلوک شرق با محوریت چین و روسیه، از هر فرصتی برای اثرگذاری و حتی خودنمایی در سیاست جهانی بهره می‌گیرد. سناریوی خوشبینانه این است که تروئیکا‌ی اروپایی فرصتی سه تا شش ماهه برای به تعویق انداختن قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت به ایران بدهد. این قطعنامه‌ها در صورت اجرایی شدن به بازگشت تحریم‌های همه‌جانبه منجر خواهند شد. با این حال، عمده کارشناسان و مردم بر این باورند که اروپا از این فرصت نخواهد گذشت و فعال‌سازی مکانیسم ماشه دیر یا زود اتفاق می‌افتد، اما تأثیرات آن برای ایران حیاتی خواهد بود.

پیامدهای اقتصادی بازگشت تحریم‌ها

برخی کارشناسان معتقدند بازگشت تحریم‌های سازمان ملل فراتر از تحریم‌های فعلی ایالات متحده علیه ایران نیست، اما گروه دیگری از کارشناسان هشدار می‌دهند که فعال‌سازی مکانیسم ماشه پیامدهای منفی گسترده‌ای برای کشور خواهد داشت. حتی کشورهایی که بیشترین ارتباط تجاری را با ایران دارند، احتمالاً در برابر تحریم‌های سازمان ملل ناگزیر به همراهی خواهند بود. تمهیداتی که برای دور زدن تحریم‌ها اتخاذ شود، پرهزینه خواهد بود و هزینه‌های

زندگی مردم را به شدت افزایش می‌دهد.

پیامدهای احتمالی اسنپ‌بک شامل افزایش قیمت ارز و طلا، کاهش ارزش پول ملی، رشد تورم، رکود صنعت، افت بازار سرمایه و رکود بخش مسکن و ساختمان است. شدت و ضعف این پیامدها بسته به وضعیت هر بخش متفاوت خواهد بود. نگرانی دیگر این است که مردم ایران ممکن است به این نتیجه برسند که سایه تحریم‌ها بر سر کشور ماندگار است و انتظارات خود را بر اساس استمرار تحریم‌ها تنظیم کنند. تاکنون مردم منتظر بودند تحریم‌ها برداشته شود و اکنون بین امید و ناامیدی قرار گرفته‌اند.

اعتماد عمومی به آینده اقتصاد ایران در سایه فعال‌سازی مکانیسم ماشه کاهش خواهد یافت. این مسأله وضعیت تولید و صنعت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که هم‌اکنون بنگاه‌های تولیدی با مشکلات جدی مواجه هستند. جدیدترین گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که در سه ماهه ابتدای سال ۱۴۰۴، رشد تولید ناخالص داخلی با نفت منفی ۰.۱ درصد و بدون نفت منفی ۰.۴ درصد بوده و رشد اقتصادی ایران پس از ۱۷ فصل منفی شده است.

در حال حاضر نرخ تورم مصرف‌کننده ۳۶.۳ درصد، تورم تولید ۳۴.۳ درصد، نرخ بیکاری ۷.۳ درصد، نرخ مشارکت اقتصادی ۴۱.۲ درصد و رشد اقتصادی منفی ۰.۴ درصد است. همه این شاخص‌ها از وضعیت نامطلوب اقتصاد ایران حکایت دارند. کشور با ابرچالش‌هایی مانند ناترازی انرژی، بحران آب، فرونشست زمین، ناترازی بانک‌ها و صندوق‌های بانزنشستگی، تورم‌های بالا و ماندگار و کسری بودجه ساختاری مواجه است.

با این حال، دست ایران چندان بسته نیست. تجربه طولانی مقابله با تحریم‌ها به ایران کمک کرده است تا راهکارهای عملیاتی برای مدیریت تحریم‌ها بیابد. ایران روزانه حدود ۲ میلیون بشکه نفت به چین صادر می‌کند که با تخفیف حدود ۲۰ درصد فروخته می‌شود.

این اقدام، هزینه تولید در چین را ۳۵ درصد کاهش داده و قدرت رقابت‌پذیری کالاهای چینی را افزایش داده است. بر این اساس، همان‌طور که طی سال‌های گذشته چین با تحریم‌های آمریکا علیه ایران همراهی نکرد، بعید است که با فعال‌سازی مکانیسم ماشه واردات نفت ایران را متوقف کند.

نقش شستا در مقابله با تحریم‌ها

یکی از بخش‌هایی که می‌تواند در شرایط بازگشت تحریم‌ها گره‌گشا باشد، بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند. تجربه بازگشت تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ نشان داد این بنگاه‌ها بار ناشی از خلاء بنگاه‌های بزرگ مانند پتروشیمی و خودروسازی را که آسیب‌پذیرتر هستند، بر دوش کشیدند؛ هرچند گاهی در سیاست‌گذاری‌های دولتی مورد غفلت قرار گرفته‌اند. دولت لازم است همراهی بیشتری با بخش خصوصی داشته باشد تا ظرفیت‌های داخلی بیش از پیش فعال شود.

بنگاه‌های کلان اقتصادی نیز نقش مهمی دارند و گروه سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) با ۹ هلدینگ زیرمجموعه خود، طی سال‌های گذشته تجارب موافقی در مقابله با تحریم‌ها داشته است. شستا به تنهایی حدود ۱۰ درصد ارزش کل بازار بورس و فرابورس را در اختیار دارد و توانسته شرایط تحریم را به فرصت تبدیل کند.

محمدرضا سعیدی، مدیرعامل شستا، اخیراً در مصاحبه‌ای با روزنامه شرق گفته است که تغییر پی‌درپی مدیران تحت تأثیر سپهر سیاست، دخالت‌های دولتی و تحریم‌ها از اصلی‌ترین چالش‌های مجموعه هستند. تحریم‌ها هزینه مبادلات شستا را افزایش داده و فعالیت‌های این مجموعه را با مشکلات مواجه می‌کند.

شستا ایران را دیگر شستاهای دنیا تفاوت دارد و نقدهایی به برنامه‌ها و نحوه مدیریت آن وارد است. در سال‌های اخیر، شستا به سمت بنگاه‌داری و

مدیریت مستقیم بنگاه‌ها حرکت کرده، در حالی که در دنیا ترکیبی از سبدسپامداری، دارایی‌های ثابت و نقدشونده رایج است. مدیریت جدید قصد دارد تمرکز شستا را کاهش دهد؛ به گفته سعیدی، شستا اکنون در ۲۱ صنعت فعال است و بهتر است این تعداد به حداکثر پنج صنعت کاهش یابد.

موضوع بین‌المللی‌سازی شستا نیز اخیراً مورد توجه قرار گرفته، اما با شدت گرفتن تحریم‌ها و فعال‌سازی مکانیسم ماشه، تحقق این هدف تردید برانگیز شده است. شستا برای غلبه بر چالش‌ها به نوآوری و خلاقیت متکی است. هزینه مبادلات شرکت‌های ایرانی بالا است، اما لازم است درآمدهای ارزی کسب شود تا بازسازی شرکت‌ها و خریدهای کلیدی ممکن شود. همچنین حضور در بازارهای بین‌المللی امکان یادگیری، رصد رقبا و شناخت ترجیحات مشتریان را فراهم می‌کند و کسب‌وکارها را برای آینده آماده می‌سازد.

لزوم تغییر ریل به نفع بخش خصوصی

وحید شقاقی‌شهری، کارشناس اقتصادی، درباره راهکارهای مقابله با تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی می‌گوید: «با اقتصاد دولتی و شبه دولتی نفتی نمی‌توان کشور را اداره کرد. به طور حتم باید ریل حکمرانی به سمت مشارکت مردم و به نفع بخش خصوصی تغییر کند.»

در پاسخ به این سؤال که آیا گفت‌وگو با تروئیکا‌ی اروپایی و افزایش تعاملات بین‌المللی می‌تواند مانع فعال‌سازی مکانیسم ماشه شود، شقاقی شهری گفت: «اروپایی‌ها با هر بهانه‌ای می‌توانستند مکانیسم ماشه را فعال کنند. آنها به دنبال بهانه هستند و گفت‌وگو راه به جایی نمی‌برد. گاهی قصد گفت‌وگوی واقعی وجود دارد، اما اروپایی‌ها به نیابت از آمریکا بهانه‌گیری می‌کنند.»

این دیدگاه نشان می‌دهد که ایران نمی‌تواند روی توقف فوری فعال‌سازی مکانیسم ماشه حساب کند و باید راهبرد خود را بر مدیریت پیامدهای اقتصادی و تحکیم توان داخلی متمرکز کند. تمرکز بر تقویت بخش خصوصی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و مدیریت هوشمند منابع مالی و ارزی می‌تواند ابزار مقابله با فشارهای بین‌المللی باشد و ظرفیت کشور را برای عبور از بحران افزایش دهد.

فرصت در دل تحریم‌ها

فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است که اثرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن به سرعت احساس خواهد شد. از افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش ارزش پول ملی گرفته تا رکود صنعت و افت بازار سرمایه، پیامدهای آن ملموس خواهند بود. با این حال، تجربه طولانی ایران در مقابله با تحریم‌ها، ظرفیت بخش خصوصی، توانایی بنگاه‌های کوچک و متوسط و تجارب موفق شستا نشان می‌دهد که کشور می‌تواند مسیر عبور از فشارها را مدیریت کند.

تمرکز بر نوآوری، مدیریت هوشمند منابع، بین‌المللی‌سازی هوشمند و تغییر ریل حکمرانی به نفع بخش خصوصی، از کلیدی‌ترین راهکارهای مقابله با چالش‌های پیش‌روست. واقعیت آن است که ایران ناگزیر به ادامه مسیر خود است، اما می‌تواند این مسیر را با ابزارهای داخلی و تدابیر اقتصادی کنترل شده، به فرصتی برای تقویت توان ملی تبدیل کند.

این اقتصاددان با اشاره به تجربه طولانی کشور در حمایت از خودروسازی گفت که بیش از ۴۰ سال است رانت به خودروسازان پرداخت می‌شود، اما خودروهایی که قرار بود کاملاً داخلی شوند، هنوز وابستگی به قطعات وارداتی دارند. او افزود که واردات خودرو منبع فساد و رانت است و میلیاردها دلار منابع کشور را هدر داده است. در حالی که نمونه‌های موفق جهانی، مانند قرارداد شرکت BYD چین با ترکیه برای تولید خودروهای برقی، نشان می‌دهد سیاست‌گذاری اشتباه باعث عقب‌ماندگی صنعت خودرو ایران شده است.

راغفر در پایان تأکید کرد: «اگر سیاست‌های اقتصادی اصلاح شود و منابع به جای گروه‌های محدود، به تولید داخلی و منافع عمومی اختصاص یابد، می‌توان اعتماد مردم را بازگرداند. وقتی مردم ببینند منافع آنها بر مافیاهای اولویت دارد، مشارکت واقعی در توسعه کشور و عبور از شرایط حساس فعلی شکل خواهد گرفت.»



اشتغال



فرشید پورحاجت

دیر کانون انبوه‌سازان

بازار مسکن و مکانیسم ماشه

بازار مسکن و ساختمان در ایران سال‌هاست با چالش‌های جدی و سیاست‌های ناپایدار روبه‌رو است. تورم بالای مصالح، کاهش قدرت خرید خانوارها و رکود معاملات این بخش را نه تنها یک بازار اقتصادی، بلکه یک معضل ملی و اجتماعی کرده است. بخش بزرگی از هزینه خانوارها صرف اجاره یا خرید مسکن می‌شود و بسیاری از خانواده‌ها دارایی اصلی خود را در این بازار قفل کرده‌اند. صنعت ساختمان که قرار بود موتور اشتغال کشور باشد، امروز تحت تأثیر تصمیمات متناقض قرار دارد و میلیون‌ها نفر از کارگران تا مهندسان و تولیدکنندگان مصالح با مشکلات جدی مواجه‌اند. هزینه ساخت‌وساز به دلیل وابستگی به نرخ ارز و نوسانات قیمت مصالح هر تغییر ارزی را مستقیم به قیمت تمام‌شده منتقل می‌کند. درآمد خانوارها تغییر چندانی نکرده و وام‌های بانکی نیز پاسخگوی خرید مسکن نیستند. نتیجه این است که حجم معاملات کاهش یافته و پروژه‌ها نیمه‌تمام باقی مانده‌اند. بسیاری از پروژه‌ها به دلیل توقف بودجه یا تعریف نشدن پروژه‌های جدید حتی سال‌ها به تأخیر افتاده‌اند و باعث شده سرمایه و زمان مردم هدر برود، در حالی که نیاز واقعی مسکن همچنان باقی است. این وضعیت نه تنها اقتصاد را تحت فشار قرار می‌دهد، بلکه نارضایتی اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد. توقف پروژه‌های عمرانی و توزیع نامناسب بودجه، جریان پول در اقتصاد را کند کرده و باعث رکود، بیکاری و فشار بر معیشت مردم شده است. رکود مشکلات اجتماعی و اقتصادی را تشدید می‌کند، تولید ساختمان دشوار و پرهزینه شده و معاملات ملکی محدود می‌شوند. فعال شدن مکانیسم ماشه قیمت‌ها را افزایش می‌دهد اما ارزش واقعی دارایی‌ها کاهش می‌یابد و خانوارها با توان مالی محدود در بازاری رکودی و گران مواجه می‌شوند. سرمایه‌گذاران نیز به بازارهای امن‌تر مانند ارز و طلا مهاجرت پیدا می‌کنند و قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد. برای کاهش پیامدهای منفی، دولت باید برنامه عملیاتی ارائه دهد که شامل توزیع هدفمند بودجه عمرانی، تعریف پروژه‌های جدید مسکن، حمایت از تولید مصالح داخلی، تسهیل وام‌ها و معافیت مالیاتی انبوه‌سازان باشد. این معافیت‌ها باید به صورت مرحله‌ای و با نظارت کامل دولت و نهادهای ناظر اعمال شود تا از سوءاستفاده و فرار از تعهدات جلوگیری شود. دولت باید برنامه‌ریزی دقیق مسیر رونق را هموار می‌کند و از هدررفت سرمایه و زمان مردم جلوگیری خواهد کرد. توجه ویژه به تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و تسریع در اجرای آنها کلید ثبات و پایداری در بازار مسکن است و هرگونه تعلل تنها مشکلات موجود را تشدید می‌کند.